

# کتاب

یادداشت دبیر

مطالعه و آموزش و پرورش

**چگونه با بخشنامه‌ها  
شاهرگ فرهنگی خودمان را  
مسدود کنیم!**

محمدعلی یزدانپار

دبیرگروه کتاب

mohammadalyazdanyar@gmail.com

تعطیلات مدارس تقریباً آغاز شده است، دبستانی‌ها که خیلی وقت است تعطیل شدند، مقاطع بالاتر هم دیگر کم‌کم به سمت تعطیلی و استراحت و بقیه کارهای تابستانی می‌روند. در این میان حدود یک میلیون معلم و نزدیک به پانزده میلیون نفر دانش‌آموز دارای اوقات فراغتی می‌شوند که مدت‌ها نداشته‌اند. تجربه چهارساله من در آموزش و پرورش نشان داده است که عمده این اوقات فراغت از دست می‌رود. برخی از همکاران من در تابستان هم مشغول کار هستند، برخی دیگر برای گذران زندگی روی به شغلی فصلی می‌آورند. عده‌ای دیگر تلفیقی از دو بخش اول و دوم را انجام می‌دهند. برخی دیگر فقط استراحت می‌کنند. باز عده‌ای هم هستند که سفری هم می‌روند و در این میان اقلیتی هم وجود دارند که همه این کارها را با هم می‌کنند. بعد از همه اینها گروهی وجود دارند که - چه عضو هر کدام از دسته‌های نام برده باشند یا نباشند - روزانه بخشی از زمانشان را به مطالعه اختصاص می‌دهند. در سمت دانش‌آموزان هم ماجرا - با غلطی کمتر - به همین منوال است. استراحت مطلق، سفر، فیلم، یادگیری یک حرفه، انجام یک مشغل فصلی و نهایتاً مطالعه کردن کارهایی است که یک نوجوان به خوبی می‌تواند در تابستان بهشان برسد. دوباره اینجا هم مطالعه کردن - منطبق با تمام آمارهای منتشر شده تا به امروز - در بین تمام کارهای دیگر، کمترین درصد را به دست می‌آورد. لازم به ذکر است اینجا منظور از مطالعه، خواندن کتب علمی، دانشگاهی و درسی و تخصصی نیست. معلمان زیادی هستند که به صورت مداوم و براساس منابع جدید، دانش خودشان را روزآمد می‌کنند؛ از آن سمت ناگفته پیداست که کار اصلی یک دانش‌آموز «درس خواندن» است، یعنی مطالعه متون درسی و تخصصی. مطالعه در معنی عمومی، به خواندن کتاب‌های غیرتخصصی گفته می‌شود که فرد بدون نیاز به یادگیری یا مطالعه آنها و صرفاً براساس علاقه سراغشان می‌رود. اگر مبنای این تعریف قرار دهیم، متأسفانه نظام آموزشی ما «مطالعه گریز» که هیچ، بلکه رسماً «مطالعه ستیز» است. هر اقدامی برای مطالعه تا حد و حدود «بخشنامه» و «طرح» کوچک می‌شود. آموزش و پرورش ما علاقه زیادی به رزومه‌سازی و بیان‌سازی دارد و مطالعه غیردرسی هم گرفتار همین بیماری شده و به اغما می‌رود. نه در کتابهای درسی، نه در رویکرد فرامتنی هیچ‌نگاهی به مطالعه آزاد، مطالعه داستان و ادبیات وجود ندارد و این خلأ، روزی روزگاری به شکلی غیرقابل مهار یقه ما را خواهد گرفت. دو سه سال پیش قصد داشتم آزمونی طراحی و استاندارد کنم که در آن میزان مطالعه آزاد معلمان و منابع مطالعاتی آنها را بسنجم. این یادداشت که به اینجا رسید دلم خواست دوباره بروم سراغ همین برنامه. خدا را چه دیدید؟ شاید واقعاً بالاخره به یک نفر برخورد و کاری کند.

## از تحول شغلی که تجربه کرده است

روایت زندگی رمی ژنه  
تألیف: تانویسندگی

از بازار یابی

### از کار هفتاد ساعته تا نویسندگی تمام وقت

«سرعت دیوانه‌وار شغل قبلی‌ام باعث شد به شکاف بین علایق و فعالیت‌م پی ببرم.» صنعت بیومتریک و امنیت دائماً در تلاطم است و سرعت کار در آنجا دیوانه‌کننده: «من خیلی شلوغ بودم، بیش از ۷۰ ساعت در هفته!» رمی در مواجهه با این بار عظیم، از این کار کناره‌گیری کرد و متوجه شد که نمی‌تواند این‌طور ادامه دهد: «من در آن سال‌ها که مدیرفروش بودم بار زیادی را تحمل می‌کردم؛ از یک جایی به بعد به خودم آمدم و دیدم به همان اندازه‌ای که لحظات حرفه‌ای خودم را می‌گذرانم، احساس ناخوشایند دارم و از شرایط ناراضی هستم...» سؤال بزرگ اینجاست که چطور می‌توانیم راه خودمان را پیدا کنیم و دست به شروع کار جدیدی بزنیم که تجربه‌ای نسبت به جزئیات آن نداریم؛ موقعیتی که باید بین شغل باثباتی که علاقه‌ای به آن نداریم و شغلی پرچالش که دوستش داریم، یکی را انتخاب کنیم! رمی در این شرایط دومی را انتخاب کرد.

### تغییر مسیر برای نویسنده شدن

نوشتن از سال‌ها پیش یکی از دوستان قدیمی رمی بود. دوستی که برای مدتی کوتاه فراموش شده بود اما... «من یک مرد ادبی سرکش هستم. آنچه همیشه در آموزش دست داشتم نوشتن و خواندن بود. اینها فعالیت‌هایی است که من برای مدتی کنار گذاشته بودم و در آن زمان به آن برگشتم. با این حال نوشتن هرگز مرا رها نکرده بود!» رمی برای مدتی در خانه می‌ماند و از این فرصت برای رؤیایی دوباره به علاقه همیشگی‌اش استفاده می‌کند و چهارچوبی را برای اولین رمانش می‌نویسد. با این حال، این چرخش یک شبه اتفاق نیفتاد: «دو سه ماه تردید داشتم و بعد مسیر را آغاز کردم. به دنبال چیزی رفتم که دوستش داشتم. وقتی کارهای بسیاری را به صورت پیش‌فرض و از روی عادت انجام داده باشید، تمرین برای شروع کار جدید خرق عادت است و این آسان نیست.» از گم شدن نترسید و نگران نشوید کافی است همه چیز را رها کنید تا به علاقه خود دست پیدا کنید، وحشت نکنید، به توصیه رمی، اساساً تنها خطر رفتن به سمت «ناشناخته» است. رمی در این برهه از زندگی‌اش سؤال‌های خود را پرسید که راه را

فائزه آشتیانی

خبرنگار

هنگامی که سوار هواپیما می‌شوید، ناچارید از دروازه‌هایی عبور کنید، دروازه‌های امنی که باید بلیت خود را به آنها ارائه دهید و اجازه پرواز بگیرید؛ رمی ژنه در شغل قبلی خود مدیر پیش‌فروش، مسئول تهیه پیش‌نویس و مذاکره در مورد تمام پیشنهادات تجاری در سراسر جهان برای فروش این دروازه‌ها بود. پیش از این، رمی مدیر پیش‌فروش بود و بیش از ۷۰ ساعت در هفته کار می‌کرد. امروز همه چیزش را رها کرده تا با قلمش زندگی کند و یک نویسنده تمام‌وقت باشد!

برایش روشن کند: «از نظر روحی و جسمی، اگر این بار را تحمل کنم، آیا تا چند سال دیگر همین آدمی که هستم خواهم ماند؟»

### گذران زندگی با قلم، یک واقعیت قابل قبول؟

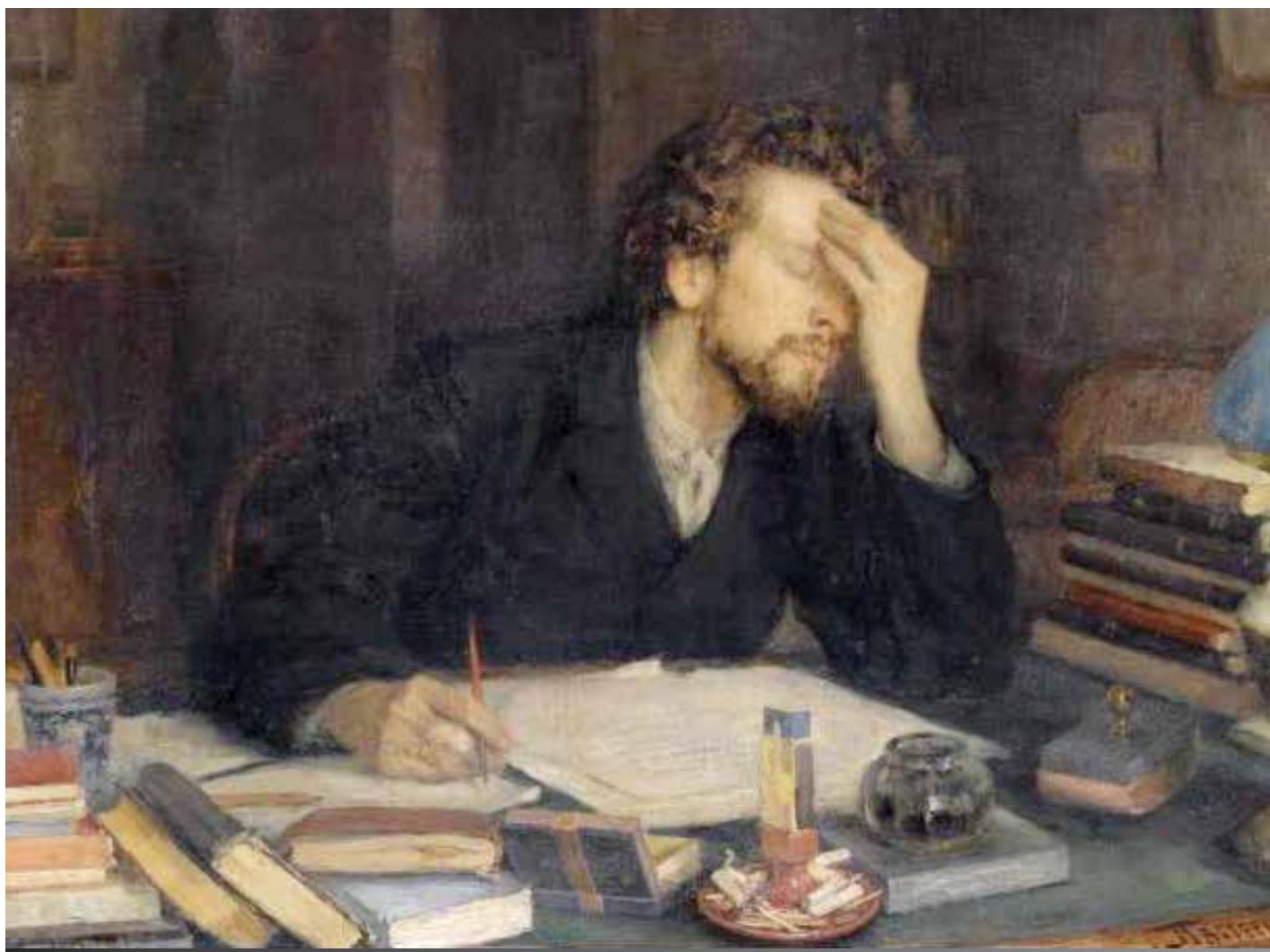
هدف رمی در حال حاضر این است که نوشتن را به یک فعالیت تمام‌وقت تبدیل کند تا بتواند در آن به طور کامل پیشرفت کند. او علاوه بر نوشتن دومین رمانش، برای یک مجله فرهنگی در لیسبون، شهری که با خانواده‌اش در آن زندگی می‌کند، مقاله می‌نویسد و البته با خوانندگان کتاب‌هایش ملاقات می‌کند، رمی تأکید می‌کند که بدون شک بهترین لحظه برای یک نویسنده، همین لحظات است: «همان زمانی که ما واقعاً با مردم به اشتراک می‌گذاریم و همیشه بسیار خوشایند است.» به طور خلاصه، از این تبدیل شغلی چه نتیجه‌ای می‌توانیم بگیریم؟ رمی می‌نویسد: «من اکنون موضوعاتی را انتخاب می‌کنم که می‌خواهم با آنها سروکار داشته باشم. نوشتن و تحقیق مرا مجذوب می‌کند. البته که از نقطه نظر اقتصادی، در وضعیت قبلی، من درآمد بسیار خوبی کسب می‌کردم که دیگر اینطور نیست، اما با همه اینها من احساس امنیت کمتر نمی‌کنم. باید در لحظه از زندگی لذت برد. چیزی که من امروز هر ثانیه تجربه می‌کنم.»

### توصیه‌هایی برای نویسنده شدن

با گفتن اینکه کار سختی است، شروع کنید، از اول راه نباید خودتان رو گول بزنید که به دردمس بیفتید! واقعاً باید نوشتن را دوست داشته باشید و تا آخر راه بروید. مهمتر از همه، شما باید از این مسیر لذت ببرید. بر آنچه می‌خواهید منتقل کنید تمرکز کنید و سعی نکنید براساس یک روند حرکت کنید. لازم نیست برای راضی کردن تلاش کنید. فرض کنید حق با خوانندگان است و همه چیز را باید مثبت تلقی کرد. سعی نکنید توجیه یا متقاعد کنید. شما باید نفس نویسنده خود را ببلعید و اجازه دهید مردم خودشان را بیان کنند زیرا به هر حال همه آنها چیزی برای گفتن دارند! خوب گوش دهید و زیاد بخوانید. خواندن قطعاً در عملکرد بهتر شما تأثیرگذار است.

سرعت دیوانه‌وار شغل قبلی‌ام باعث شد به شکاف بین علایق و فعالیت‌م پی ببرم دو سه ماه تردید داشتم و بعد مسیر را آغاز کردم. به دنبال چیزی رفتم که دوستش داشتم. وقتی کارهای بسیاری را به صورت پیش‌فرض و از روی عادت انجام داده

باشید، تمرین برای شروع کار جدید خرق عادت است و این آسان نیست من اکنون موضوعاتی را انتخاب می‌کنم که می‌خواهم با آنها سروکار داشته باشم. نوشتن و تحقیق مرا مجذوب می‌کند؛ البته که از نقطه نظر اقتصادی، در وضعیت قبلی، من درآمد بسیار خوبی کسب می‌کردم که دیگر اینطور نیست، اما با همه اینها من احساس امنیت کمتر نمی‌کنم. باید در لحظه از زندگی لذت برد، چیزی که من امروز هر ثانیه تجربه می‌کنم



نظام آموزشی ما «مطالعه گریز» که هیچ، بلکه رسماً «مطالعه ستیز» است. هر اقدامی برای مطالعه تا حد و حدود «بخشنامه» و «طرح» کوچک می‌شود. آموزش و پرورش ما علاقه زیادی به رزومه‌سازی و بیان‌سازی دارد و مطالعه غیردرسی هم گرفتار همین بیماری شده و به اغما می‌رود